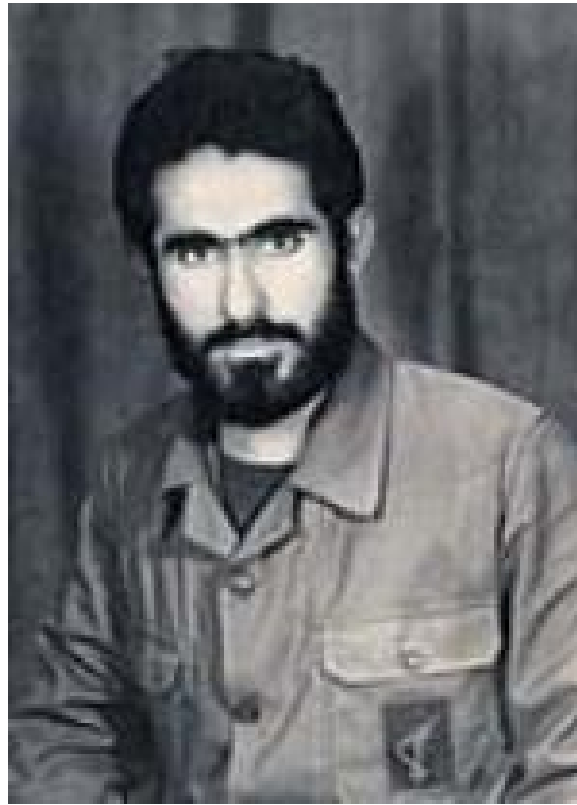


شهید اسدالله آهنگان



از بشارت علی
سازمان جامع سرواران و هزارتخمید استان بوشهر

نام پدر	حاجی
تاریخ تولد	۱۳۳۶/۰۶/۰۱
محل تولد	بوشهر - جم
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۴/۰۴
محل شهادت	جزیره مجنون
مسئولیت	فرمانده دسته
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	
مدفن	جم

زندگینامه

برادر شهید اسدالله آهنگان فرزند حاجی شماره شناسنامه یک در بخش جم، در تاریخ یکم شهریور ماه سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای مذهبی و مستضعف متولد شد. به علت عدم امکانات تحصیلی و ضعف مالی نتوانست در دوران کودکی و جوانی از علم و دانش در محضر استاد بهره ببرد. در همان دوران جوانی به نماز و قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علاقه‌ای ویژه نشان می‌داد. در ۱۳ سالگی جهت آموختن دانش هر شب ۲ ساعت به مکتب‌خانه رفته و در مدت ۲ ماه توانست قرآن را ختم کند. در سن ۱۸ سالگی به خدمت مقدس سربازی اعزام شد و پس از ۴۰ روز معاف شد و سپس جهت امرار معاش به تهران رفته و در شهرک پرند مشغول به کار شد و همزمان با شروع تظاهرات و انقلاب، اعلامیه‌های حضرت امام را پخش کرده که در نتیجه ساواک از کار آن‌ها باخبر و به مدت ۳ روز در محاصره‌ی سربازان امنیتی قرار گرفتند و پس از تلاش و کوشش هم‌زمان خود توانستند از محاصره نجات یابند. در سال ۵۷ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد و در سپاه کنگان، جم و عسلویه مشغول به کار شد. هم‌زمان با خدمت در سپاه به طور متفرقه در امتحانات دبستان شرکت کرد و بدون این که استادی داشته باشد، با استعداد خدادادی تا اخذ مدرک ابتدایی تحصیل نمود. ایشان به همراه جهادگران و بسیجیان توانستند مردم روستاهای محروم منطقه را از آب لوله‌کشی بهره‌مند سازد. واز فعالیت‌های دیگر ایشان تشکیل پایگاه مقاومت بسیج بود که خود نیز مسئولیت پایگاه را بر عهده داشتند و جمع‌آوری کمک‌های مردمی به جبهه و مشوق بسیجیان دریا دل و بازدید مستمر از خانواده بسیجی و برای رفع مشکلات آنها می‌کوشید و در تاریخ ۱۳۵۹ / ۱۱ / ۴ ازدواج کرد که حاصل ازدواجشان ۴ فرزند بود. در چهار مرحله در سال‌های ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷ و در عملیات‌های کربلای ۳ و ۴ و ۵ و والفجر ۸، سومار، سرپل ذهاب و قصر شیرین و در جبهه‌های غرب و شرق کشور و در هر مرحله ۹ ماه در جبهه به سر برد. مسئولیت ایشان در جبهه اغلب فرماندهی دسته، مسئول تبلیغات و حمل مجروح بود. سرانجام در تاریخ ۶۷ / ۴ / ۴ شب شنبه در عملیات جزیره‌ی مجنون که فرماندهی دسته ۲ از گردان ابوالفضل را به عهده داشت، به فیض شهادت نایل آمد و در گلزار شهدای روستای جم آرام گرفت.

وصیت نامه

بنا به وظیفه ای که هر فرد مسلمان دارد که چند کلمه ای از وصایا را بگذراند ، لذا اینجانب با شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت مهدی (عج) و ولایت ائمه اطهار و ولایت فقیه و مرجعیت و رهبریت امام خمینی عازم جبهه حق علیه باطل شده ام و یاری خدای بزرگ ، کشور اسلام را از لوٹ وجود صدامیان کافر پاک نمایم و اقلاً سنینی که از عمرم گذشته است خدمتی به اسلام کرده باشم ، شاید بعد از شهادتم وظیفه ام را انجام بدهم و از خداوند شکر گذارم که به من لیاقت این داده که از جمله کسانی باشم که در راه او برای احیای دین او و در زمره اصحاب امام حسین (ع) باشم و پیامم به برادران دینی و بستگانم این است که خدا را فراموش ننمایند و امام را با دیده بصیرت بشناسند و قدر او را بدانند و رهبران مذهبی را بسیار محترم و گرامی دارید زیرا آنها وارثان انبیاءاند و شما پدر و مادر و خواهران و برادرانم اگر من توفیق شهادت یافتم در عزای من گریه نکنید بلکه شادی کنید که من آگاهانه این را انتخاب کرده ام و آن را تا پایان به انجام خواهم رسانید زیرا امام بزرگوارمان در سوگ فرزندش اشک نریخت چون می دانست رضای خداوند در این امر می باشد بنا به آیه شریفه و دیگر پیام این است که هوشیار باشید که گول آن عوام فریبها را نخورید که می گویند جوان ها گول خورده اند که به جبهه می روند . ای دون صفتان و ای دغلهای روسیاه ما گول نخورده ایم که به جبهه رفته ایم، شما گول خورده اید که نوکری اربابانفتان می کنید و به حقیقت نوکر آنها هستید و از برادران عزیزم می خواهم اگر شهید شدم راه مرا ادامه بدهند . پدر و مادر عزیزم اگر شهید شدم چشم و دستهای مرا باز بگذارید تا منافقین و کوردلان و دنیا پرستان ببینند که از مال دنیا چیزی با خود نبرده ام و کور گورانه نمرده ام بلکه این راه را با آگاهی کامل انتخاب کرده ام و رفته ام و بدانید که مرگ در راه اسلام و قرآن شاید جوششی در جوانان به وجود آورد.

دیگر عرضم خدمت بانوان محترمه ، ای بانوان و کسانی که باید الکوی این جامعه باشید ، سنگرتان و وقارتان و عزت و آبرویتان را از دست ندهید که آن حجاب شماسست ، ای خواهر هیچ می دانی که چادر سیاه تو از خون هزاران شهید بهتر و ارزنده تر است ؟ از شما جنگیدن نمی خواهیم اما شما عزتتان را از دست ندهید و آن سنگر از دست ندهید ، سنگر حجاب بزرگترین سنگر است و در هر نقطه ای که شهید شدم بدنم را به سپاه جم منتقل کنید و در تشییع جنازه ام و قرآن خوانی با مردم خوش رفتاری کنید و اگر مفقود الاثر شدم لباس سپاه و عکسم را تشییع کنید و در جوار شهدای جم دفن نمایید .

والسلام علی عبادا ... الصالحین

اسد الله آهنگان



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران